

رفتار متقابل به عنوان شرط اجرای احکام خارجی: مطالعه در حقوق بین الملل خصوصی ایران و آمریکا

محسن ایزانلو*

روزبه جباری زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۶

چکیده

مشروط شدن اجرای احکام خارجی به رفتار متقابل کشور محل صدور حکم منشأ ابهامات و مسائل متعددی است که حل آنها علاوه بر شناخت حقوق خودی مستلزم مطالعه حقوق کشورهای طرف رابطه در این مقوله هم است. این مقاله به طرح تعدادی از این مسائل در رابطه بین ایران و ایالات متحده می پردازد. پس از مقدمه‌ای درباره تعریف شرط رفتار متقابل و جایگاه جهانی شرط، بخش دوم مطالعه‌ای در تحول رویکرد حقوق آمریکا به مسئله است، با توجه ویژه به تأثیری که فدرال بودن این کشور بر آن گذاشته است. بخش سوم پاسخ حقوق ایران را به چند پرسش عملی درباره شرط رفتار متقابل جستجو می کند. در بخش چهارم، با فرض این که شناسایی حکم صادره از دادگاه آمریکایی در ایران تقاضا شود و بر اساس آنچه در دو بخش پیش از آن گفته می شود، موضع دادگاه ایران درباره مسئله رفتار متقابل دولت آمریکا پیش بینی خواهد شد.

کلیدواژگان:

شناسایی احکام خارجی، روابط قضایی ایران-آمریکا، رفتار متقابل، قانون اجرای احکام مدنی.

* دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

izanloo@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه هاروارد

rjabbarizadeh@sjd.law.harvard.edu

مقدمه

در قوانین حاکم بر دعاوی خصوصی، رفتار متقابل دولت خارجی در چند مورد شرط قرار گرفته است؛ از جمله ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون [...] نیویورک و ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۰ («قانون صلاحیت [...]»). جدا از مناقشات نظری که درباره درج این شرط وجود دارد، اجرای آن در عمل نیز با پیچیدگی‌های متعدد همراه است. در این مقاله حقوق آمریکا را برای مطالعه تطبیقی در این زمینه برگزیده‌ایم که از چند نظر برای چنین مطالعه‌ای مناسب است: اولاً جزء چند نظام حقوقی محدود در غرب است که شرط رفتار متقابل در آن صریحاً (گرچه نه با اجماع) پذیرفته و اعمال می‌شود؛ ثانیاً به سبب ویژگی‌های ساختار حقوقی آمریکا، رویه‌ای غنی در این کشور درباره این شرط شکل گرفته است؛ ثالثاً تنش‌های سیاسی و به تبع، حقوقی بین ایران و آن دولت اهمیت رسیدن به یک الگوی عملی دقیق را برای اجرای این شرط در قبال آن بیشتر کرده است. در این مقاله اختصاصاً نقش شرط رفتار متقابل را در شناسایی احکام دادگاه‌های خارجی بررسی خواهیم کرد.

۱. تعریف و گستره جهانی پذیرش شرط

۱.۱. تعریف

رفتار متقابل اصل سنتی فلسفه سیاسی است و از زمان فیثاغورث و ارسطو بنیاد مفهوم عدالت معاوضی بر آن استوار شده است^۲ و در علم روابط بین‌الملل نیز بنیاد اخلاق بین‌المللی را تشکیل می‌دهد؛ حاکمیت برابر دولت‌ها، متضمن تکلیف شناسایی و احترام متقابل است.^۳ به

۱. چون از یک سو شناسایی لازمه اجراست (ولی عکس آن صادق نیست) و از سوی دیگر تفکیک بین دو مفهوم شناسایی و اجرا در این مقاله کاربردی ندارد، هر جا به شناسایی احکام اشاره شده است، باید آن را به معنای اعم از شناسایی و اجرا گرفت.

2. Decaux, Emmanuel, "Reciprocité", *Répertoire de droit international*, Dalloz, 1998: n. 1.

3. *Ibid.*: n. 2.

موجب این اصل، مزیت یا جریمه‌ای که یک دولت نسبت به دولت دیگر یا اتباعش اعمال می‌کند، با رفتار معادل از سوی دولت اخیر مواجه می‌شود.^۱ مبنای این اصل در روابط بین دول همان انگیزه‌های است که مقابله به مثل را اصلی حاکم بر روابط بین‌فردی در غیاب مرکزیت سیاسی^۲ می‌سازد؛ یعنی انگیزه صیانت از نفس و برابری طلبی.^۳ متنها برخلاف حقوق داخلی خصوصی که در آن تجویز این اصل منافی نقش مرکزی دولت در تأمین نظم و عدالت است و فقط همچون استثنا پذیرفته می‌شود، در حقوق بین‌الملل عمومی، دولت‌ها به عنوان پاسدار اصلی حقوق خود، در عمل بر طبق این اصل آزادند.^۴

در حقوق بین‌الملل خصوصی به عنوان شعبه‌ای از حقوق خصوصی، رفتار متقابل وضع ویژه‌ای دارد؛ رفتار متقابل یک دولت در برابر دولت دیگر، بر حق اشخاص خصوصی اثر می‌گذارد: هر دولت، بر فرض اینکه شناسایی احکام دیگر دولت‌ها را از اساس رد نکند، می‌تواند آن را در هر مورد منوط به رفتار مشابه دولتی سازد که شناسایی حکم صادره از دادگاه آن مورد تقاضاست. شمول اصل رفتار متقابل بر مقوله شناسایی احکام خارجی بر این حقیقت استوار است که احکام صادره از دادگاه هر دولت عمل حاکمیتی آن دولت تلقی می‌شود و شناسایی آن از سوی دولت دیگر مزیتی است که به دولت صادرکننده داده می‌شود.^۵

باید افزود که رفتار متقابل یک جنبه منفی و یک جنبه مثبت دارد. از جنبه منفی رفتار متقابل می‌توان به «مقابله به مثل» یاد کرد؛ نمونه این رفتار را در حقوق بین‌الملل خصوصی و عمومی می‌توان در «قانون صلاحیت [...]» دید. رفتار متقابل مثبت، برعکس، اعطای یک حق یا امتیاز را در صورت رفتار متقابل مقرر می‌کند. در شناسایی احکام خارجی، منظور جنبه مثبت اصل است.^۶

1. Keohane, Robert E., "Reciprocity in International Relations", *International Organization* 40(1) (1986):P 1.

2. State of Nature

3. Larson, Deborah W., "The Psychology of Reciprocity in International Relations", *Negotiation Journal* 4 (1988):PP 282-283.

4. Paris, Francesco & Nita Ghei, "The Role of Reciprocity in International Law", *Cornell International Law Journal* 36(1) (2003):PP 93-94; Dutta, Anatol, "Reciprocity", in *Encyclopedia of Private International Law*, 1467.

۵. الماسی، نجادعلی، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶.

6. Contre-mesure.

7. Decaux, Op. Cit., n. 4.

۱.۲. نظریه

درج رفتار متقابل در زمره شروط قانونی شناسایی احکام خارجی چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ‌های ارائه شده به این پرسش در دکترین حقوقی و رویه کشورهای بر مدار تقدیمی می‌گردد که به یکی از دو بعد داخلی/خصوصی یا عمومی/بین‌المللی احکام دادگاه‌ها داده می‌شود. حکم دادگاه‌ها در امور مدنی و تجاری، از سویی، مانند احکام دیگر آنها عملی حاکمیتی است و از این لحاظ موضوع حقوق عمومی یا بین‌الملل قرار می‌گیرد و از سوی دیگر از طریق اثبات یا نفی حقی برای یکی از متداعیین (حق موضوع دعوا) و احياناً ایجاد حقی دیگر (حق درخواست اجرای حکم) موجد وضعیت حقوقی جدیدی در حقوق خصوصی است که باید به عنوان حقی مکاتب در سطح جهانی محترم شناخته شود.^۱

با این حال، حتی اگر اختیار دولت‌ها در شناسایی احکام خارجی را به رسمیت بشناسیم، مشکل بتوان انکار کرد که تبعیض دولت در مقام اجرای این اختیار، بین اشخاص خصوصی خارجی یا حتی بین شهروندان خود بر مبنای رفتار دولت خارجی که آن اشخاص شخصیتی مستقل از آن دارند و چه بسا حتی تبعه آن نباشند، به معنای فدا کردن مصلحت مسلم یکدستی حقوق به پای مصلحتی مشکوک است. به همین دلیل شرطیت رفتار متقابل در ادبیات حقوقی مکرراً مورد انتقاد قرار گرفته،^۲ جایگاه آن در رویه دولت‌ها هم چنان که اشاره خواهیم کرد، تضعیف شده است.

۱.۳. رویه دولت‌ها

تا حدود پنجاه سال قبل، رویه عملی دولت‌ها در قبال درج شرط رفتار متقابل تفاوت چشمگیری نشان می‌داد که تا حدودی متأثر از جاذبه یکی از دو نظریه فوق بود. کشورهای

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر. ک.

Smit, Hans, "International Res Judicata and Collateral Estoppel in the United States," *UCLA L. Rev.* 9 (1962):PP 57-61; Dicey, A. V., John H.C. Morris & Lord Collins of Mapesbury, *The Conflict of Laws*, 15th Ed., London: Sweet & Maxwell, 2012, 14-007; Juenger, Friedrich K., "The Recognition of Money Judgments in Civil and Commercial Matters", *American Journal of Comparative Law* 36 (1988):PP 4-7.

2. Zadeck, Donald J., "Enforcement of Foreign Judgments in Personam: Reciprocity", *La. L. Rev.* 10 (1949):Pp 323-4; Southard, William G., "The Reciprocity Rule and Enforcement of Foreign Judgments", *Colum. J. Transnat'l L.* 16 (1977):P 327.

کامن لا، مثل انگلیس، پیرو نظریه حق مکتسب بودند و اصل در آنها بر شناسایی حکم خارجی بود. شروط و استثنائات شناسایی نه ناشی از وصف خارجی حکم، بلکه ناشی از همان عواملی بود که در نظام داخلی هم حکم را بی اعتبار می کرد و رفتار متقابل در شمار آنها نبود.^۱ سایر دولت‌های اروپایی عموماً رویکرد بسته‌تری به شناسایی احکام خارجی داشتند. برخی آن را از اساس نمی پذیرفتند، (هلند)^۲ گروهی رسیدگی به درخواست شناسایی حکم خارجی را به منزله بازبینی در آن قلمداد می کردند که نتیجه آن در برخی از آن کشورها یا تأیید کامل یا رد کامل حکم خارجی بود (بلژیک)^۳ و در برخی دیگر (فرانسه) ممکن بود به تغییر مفاد حکم هم بینجامد.^۴ شرط رفتار متقابل در قوانین کشورهای تابع نظام رومی- ژرمنی به طور کلی مقبولیت بیشتری نسبت به کشورهای کامن لا داشت؛^۵ با این حال در قوانین بسیاری از این کشورها، مثل فرانسه^۶ و طبعاً کشورهایایی که شناسایی احکام دادگاه‌های خارجی را به طور کلی رد می کردند، هم رفتار متقابل جایگاهی نداشت.

تحولات دهه‌های اخیر، مانند گسترش بیشتر روابط تجاری و همگرایی‌های منطقه‌ای، کشورها را به ضرورت اصلاح ضوابط شناسایی احکام خارجی مجاب کرده است. بسته به موضع اولیه هر کشور، این اصلاح‌ها اکثراً در جهت تسهیل بوده است. اقبال نسبت به شرط رفتار متقابل هم دست کم به طور رسمی کاهش یافته است. با این حال، لازم به توجه است که بخشی از نقشی که قانون در تأمین منافع سیاسی ناشی از رفتار متقابل به عهده داشت، امروزه به ابزار حقوقی

۱. الماسی، پیشین، صص ۹۲-۹۳؛

Woodward, David L., "Reciprocal Recognition and Enforcement of Civil Judgments in the United States, the United Kingdom and the European Economic Community", *N.C. J. Int'l L. & Com. Reg* 8 (2016): 299.

2. Juenger, Op. Cit.:P 6.

3. Nadelmann, Kurt H., "Non-Recognition of American Money Judgments Abroad and What to Do about It", *Iowa L. Rev.* 42 (1957):P 236

۴. الماسی، پیشین، صص ۸۲-۸۴؛

Gaudemet-Tallon, Hélène. "La reconnaissance des jugements étrangers portant sur une somme d'argent, en matière civile et commerciale", in: *Revue internationale de droit comparé* 38(2) (1986):PP 488-490

5. Juenger, Op. Cit.:P 8.

6. Gaudemet-Tallon, Op. Cit.:P 490.

دیگر، معاهدات، محول شده است که امکان برخورد گزینشی تر و اطمینان بخش تر از شرط قانونی را مهیا می کند.^۱

۲. جایگاه شرط در نظام حقوقی ایالات متحده و تحولات آن

۲.۱. دعوای «هیلتن»

در حقوق آمریکا به تبعیت از انگلیس تا سال ۱۸۹۵، دادگاهها از موضع عدم شرطیت رفتار متقابل در شناسایی احکام دادگاههای خارجی تبعیت می کردند. در این سال، رأی دیوان عالی این کشور در پرونده «هیلتن-گویو»^۲ برای نخستین بار شرطیت رفتار متقابل برای شناسایی احکام خارجی را به نظام حقوقی وارد کرد.^۳ به نظر دیوان، در صورتی که حکم خارجی واجد سایر شرایطی که برای اعتبار جهانی آرا ضروری است، باشد، اما شرط رفتار متقابل محقق نشود، دادگاه آمریکا باید آن را به منزله یک دلیل اثبات بپذیرد که بار رد آن به عهده محکوم علیه است، اما نباید به آن اعتباری دهد که حکم صادره از یک دادگاه داخلی دارد.

رویه قضایی آمریکا با محدود کردن رأی «هیلتن» به وقایع خاص آن دعوا، تفسیری مضیق از آن را برگزید؛ رفتار متقابل تنها در صورتی شرط اجرای حکم خارجی محسوب می شد که محکوم علیه از اتباع آمریکا باشد.^۴ به علاوه، دیوان در آرای بعدی متذکر شد که شرط متقابل به منزله یکی از امور موضوعی دعوا در هر مورد باید از نو اثبات شود؛ به ویژه که ممکن است رفتار دولت خارجی با گذشت زمان تغییر کرده باشد.^۵

1. Juenger, Op. Cit.: 8-9; Zeynalova, Yuliya, "The Law on Recognition and Enforcement of Foreign Judgments: Is It Broken and How Do We Fix It?", *Berkeley J. Int'l Law* 31 (2013): PP 168- 181.

2. *Hilton v. Guyot*, 159 U.S. 113 (1895).

۳. بازبینی ماهوی البته متفاوت از طرح دعوای جدید بود. رویه بازبینی ماهوی در فرانسه در سال ۱۹۶۴ به موجب رأی «منزر» (شعبه ۱ مدنی، ۱۹۶۴) متروک شد. (Audit, B., *Droit International Privé*, 3e éd., Economica, 2000: n. 452, note 2)

4. Southard, Op. Cit.: P 328.

5. *Ibid*: PP 337-338.

۲.۲. مقاومت در برابر نظریه «هیلتن»

هرچند در نظام حقوقی آمریکا، آرای دیوان عالی واجد اعتبار قاعده حقوقی است، اقتضائات ناشی از فدرال بودن نظام، دامنه شمول آنها را محدود می‌کند. بنابراین، جز در مواردی که حکم دیوان عالی مبتنی بر یکی از اصول قانون اساسی کشور است، دادگاه‌های ایالتی بر اساس اصل استقلال داخلی ایالات اجباری به پیروی از آن ندارند. در عمل هم دادگاه‌های تعدادی از ایالات آمریکا با رد موضع دیوان عالی در دعوی «هیلتن» عدم شرطیت رفتار متقابل را به عنوان قاعده حاکم در ایالت خود اختیار کردند.^۱

۲.۳. قوانین متحدالشکل ایالتی

در زمره تلاش‌هایی که با هدف هماهنگ‌سازی حقوق ایالات متحده با پیشنهاد طرح‌های قانونی الگو به پارلمان‌های ایالتی انجام شد، «قانون متحدالشکل شناسایی احکام پولی خارجی»^۲ در سال ۱۹۶۲ و سپس «قانون متحدالشکل شناسایی احکام پولی صادره از کشور خارجی»^۳ در سال ۲۰۰۵ تنظیم و به قانون‌گذاران ایالتی پیشنهاد شد.^۴ هر دو قانون تا حد زیادی نظریه سنتی کامن‌لا را مبنای رویکرد خود قرار داده‌اند و استثناهای شناسایی کمابیش همان است که در آرای دادگاه‌های انگلیس و ایالات متحده پیش از رأی «هیلتن» احصا شده بود. در هیچ یک از دو قانون متحدالشکل، رفتار متقابل در زمره شروط شناسایی احکام پولی خارجی به شمار نیامده است.^۵

۲.۴. قانون نمونه مؤسسه حقوق آمریکا

مناقشات بعدی درباره نقش دولت فدرال در تنظیم ضوابط شناسایی احکام خارجی، به دلیل ارتباطی که این احکام با مصالح ناظر به روابط بین‌الملل و عامل همکاری بین‌المللی دارد،^۶ به

1. Lenhoff, Arthur, "Reciprocity: The Legal Aspect of a Perennial Idea", *Nw. U. L. Rev.* 49 (1954-1955): P 762; *Johnston v. Comp. Generale Transatlantique*, 152 N.E. 121 (NY 1926).

2. Uniform Foreign Money Judgments Recognition Act

3. Uniform Foreign-Country Money Judgments Recognition Act.

4. Uniform Law Commission, Op. Cit.:P 27.

5. Weston, Op. Cit.: 742; Uniform Law Commissions, Op. Cit.

6. *Chevron Corp. v. Donziger*, 768 F. Supp. 2d 581, 594; Robinson, Darren J., "U.S. Enforcement of Foreign Judgments, Libel Tourism, and the SPEECH Act: Protecting Speech or Discouraging Foreign Legal Cooperation", *Transnational Law and Contemporary Problems* 21 (2013):PP 913-919.

تقویت مجدد جایگاه شرط رفتار متقابل انجامید.^۱ در سال ۲۰۰۲، شورای مؤسسه حقوق آمریکا طرح یک قانون را برای تصویب توسط دولت فدرال (و نه دولت‌های ایالتی مانند قوانین نمونه پیش‌گفته) پیشنهاد کرد که مسئله درج رفتار متقابل در آن برای مدتی طولانی موضوع جدل بین اعضای شورا و نهادهای مشورت‌دهنده بود. در نهایت، آنچه به عنوان متن نهایی از سوی مؤسسه حقوق آمریکا انتخاب شد، نسخه‌ای بود که محکم‌ترین جایگاه را به شرط رفتار متقابل اعطا می‌کرد. این متن پیشنهادی البته تا به امروز مورد تصویب کنگره آمریکا قرار نگرفته است. این قانون مقرر می‌کند که وزارت خارجه دو فهرست از دولت‌هایی که احکام دادگاه‌های آمریکا را شناسایی می‌کنند و آنها که چنین احکامی را شناسایی نمی‌کنند، به دادگاه‌ها ارائه خواهد کرد و محاکم این فهرست‌ها را به عنوان سند قاطع در احراز تحقق یا عدم تحقق شرط خواهند پذیرفت. در سایر موارد اثبات تحقق یا عدم تحقق شرط بر اساس ادله‌ای که حسب مورد متقاضی اجرای حکم یا محکوم‌علیه^۲ به دادگاه ارائه می‌کنند، انجام خواهد شد.

۳. اجرای شرط در حقوق ایران

حکم مسئله رفتار متقابل در حقوق ایران را باید از ماده ۹۷۲ و ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی استنباط کرد. به موجب ماده ۹۷۲ قانون مدنی، «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود، مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد». علی‌رغم اجمال ماده، اینقدر می‌توان از آن برداشت کرد که اولاً، «امر» موضوع این ماده چیزی غیر از «حکم» دادگاه است که مستلزم ورود مجدد به ماهیت دعوایی خواهد بود که دادگاه خارجی به آن حکم

1. Restrepo, Daniel A., "Individual-Based, Cross-Border Litigation: A National Security Practitioner's Perspective", U. PA. J. Int'l L. 34 (2013):PP 713-714; Epstein, Marc P., "Comity Concerns Are No Joke: Recognition of Foreign Judgments Under Dormant Foreign Affairs Preemption", *Fordham L. Rev.* 82 (2014):P 2352; Goldsmith, Jack, "Statutory Foreign Affairs Preemption", SUP. CT. REV. (2000):P 175.

۲. رسیدگی به درخواست متقاضی شناسایی یا اجرای حکم عموماً به طرفیت محکوم‌علیه حکم دادگاه خارجی انجام می‌گیرد، اما ممکن است اشخاص دیگری هم که در رد این تقاضا ذی‌نفع هستند، طرف قرار گیرند یا وارد دعوا شوند. به هر حال در این مقاله محکوم‌علیه را باید به معنایی اعم از همه افرادی که در چنین رسیدگی اختصاری طرف قرار می‌گیرند، گرفت.

داده است؛^۱ ثانیاً، این امر به هر حال نیازمند نوعی احراز «مطابقت با قوانین ایران» است. بنابراین، «امر» یادشده باید نتیجه رسیدگی مختصرتری باشد^۲ که البته موضوع و چگونگی آن در این ماده نیامده است. حکم آرای صادره در دادگاه‌های خارجی تا سال‌ها از ماده ۱۲۹۵ همین قانون استنباط می‌شد که موضوع آن اسناد تنظیم‌شده در دیگر کشورهاست و شمول آن بر موضوع بحث ما نیز پذیرفته می‌شد. سال‌ها پس از تصویب قانون مدنی، قانون‌گذار با وضع ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام، اجمال نظام قانونی شناسایی احکام خارجی را رفع کرد و به صراحت درباره احکام دادگاه‌های خارجی سخن گفت؛ ضمن اینکه شرایطی به آنچه احکام خارجی به موجب ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی می‌بایست داشته باشد، افزود. شرط رفتار متقابل در بند سوم ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی^۳ و بند اول ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام^۴ درج شده و عبارت دو ماده به نحوی تنظیم شده است که پاسخ بسیاری از پرسش‌ها درباره چگونگی اعمال این شرط را می‌توان در خود آنها یافت.

۳.۱. رفتار متقابل قانونی یا عملی؟

مهم‌ترین تفاوت انشای بند اول ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام با ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی اضافه شدن شق دومی به عبارت آن («یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید») است که می‌توان آن را رفتار متقابل عملی در مقابل رفتار متقابل قانونی - عهدنامه‌ای (شق اول) نامید. آیا این بدان معناست که دو شکل از رفتار متقابل وجود دارد که از نظر قانون‌گذار تحقق هر یک از آنها برای تحقق رفتار متقابل کافی است؟ پاسخ البته منفی است؛ زیرا روشن است که مطلوب قانون‌گذار آن است که کشورهای دیگر در عمل احکام ایرانی را شناسایی کنند، نه آنکه فقط در لفظ وانمود کنند که آنها را قابل اجرا می‌دانند. پس اگر کشور خارجی احکام ایران را در عمل اجرا

۱. تقوائی، ابراهیم، اجرای احکام خارجی در ایران، حقوق مردم، ۱۳۵۳، شماره ۳۵-۳۶، ص ۳۶.

۲. همان، ۳۶.

۳. «...کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.»

۴. «...حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادهای احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.»

نکند، صرف‌نظر از مفاد قوانین آن کشور، شرط رفتار متقابل تأمین نشده است.^۱ در این صورت، سؤال این است که کارکرد هر یک از دو شق عبارت بند اول چیست؟ چرا قانون‌گذار در مقطع وضع قانون اجرای احکام لازم دیده است که شق اول را حفظ و شق دوم را هم به آن اضافه کند؟

۳.۲. بار اثبات

پیش از پاسخ به سؤال بالا، لازم است پاسخی مقدماتی به پرسشی دیگر داده شود؛ بار اثبات در مورد شرط رفتار متقابل به عهده کیست؟ بنا به قاعده عمومی و به‌ویژه با توجه به انشای اثباتی بند اول ماده ۱۹۶ (بر خلاف بندهای دوم تا هفتم)، ظاهراً این متقاضی اجرای حکم خارجی است که باید وجود رفتار متقابل را ثابت کند.^۲ اگر این نظر پذیرفته شود، می‌توان به سؤال راجع به کارکرد هر یک از دو شق بند اول چنین پاسخ داد. به نظر می‌رسد انشای این ماده به صورت ترکیب انفصالی (استفاده از لفظ «یا» در بین دو شق) با نظر به مرحله اثبات انجام شده است؛ شق اول در وهله نخست یک اماره قدرتمند برای متقاضی تأسیس می‌کند. به موجب این شق، کافی است او بتواند وجود یکی از موارد زیر را نشان دهد: ۱- معاهده‌ای که کشور صادرکننده حکم را به اجرای احکام ایران ملتزم کرده است؛ ۲- درج شرط رفتار متقابل در قانون کشور صادرکننده حکم؛ ۳- نص قانونی یا نظریه قضایی یا حقوقی معتبری مبنی بر این که کشور صادرکننده حکم به محدودیتی در شناسایی احکام خارجی از حیث کشور صادرکننده حکم قائل نیست و احکام صادره از هر کشوری را به شرط تحقق سایر شرایط می‌پذیرد؛ ۴- احیاناً

۱. در حقوق آمریکا هم این پذیرفته شده که به ادله محکوم‌علیه دایر بر تفاوت رویه عملی کشور خارجی با آنچه از نص قوانین آن برداشت می‌شود، ترتیب اثر داده شود و به طور کلی ارزش اثباتی بالاتری به رویه قضایی نسبت به قانون در این مقوله داده می‌شود، هرچند ارائه گواهی دایر بر درج شرط رفتار متقابل در قانون خارجی در غیاب دلیل مخالف برای متقاضی کافی است [Juenger, Op. Cit.: 32].

۲. نظر سنتی در حقوق کامن لا این بوده که عدم شناسایی احکام خارجی به دلیل عدم رفتار متقابل (مثل عدم شناسایی به هر دلیل دیگری) جنبه استثنایی دارد و ارائه دلیل درباره آن بر عهده محکوم‌علیه است [Southard, Op. Cit.: 337]. با محکم‌تر شدن جایگاه این شرط در حقوق آمریکا، موضع مخالف هم هوادار یافته است. در پیش‌نویس نهایی قانون پیشنهادی مؤسسه حقوق آمریکا، محکوم‌علیه تنها وظیفه طرح دفاع رفتار متقابل در دادگاه برای موظف کردن دادگاه به در نظر گرفتن شرط را دارد و سپس این متقاضی اجرای حکم است که باید رفتار متقابل را نشان دهد [American Law Institute, The Foreign Judgment Recognition and Enforcement, Official Text [i] (17), at § 7 (b)].

وجود فهرستی واجد اعتبار قانونی از کشورهایی که احکام آنها شناسایی می‌شود و حضور نام ایران در آن فهرست. اگر ارائه تمام این موارد برای متقاضی غیرممکن یا دشوار است، شق دوم راه دیگری هم پیش پای او می‌گذارد؛ او می‌تواند نشان دهد که کشور صادرکننده در عمل احکام ایرانی را شناسایی می‌کند یا با نشان دادن سابقه شناسایی احکام ایرانی در رویه قضایی آن کشور یا در صورتی که چنین سابقه‌ای وجود ندارد، با نشان دادن اینکه دادگاه‌های آن کشور در موارد مشابه درخواست‌های شناسایی احکام خارجی را پذیرفته‌اند.

در صورت استناد متقاضی به معاهده یا قانون کشور صادرکننده حکم، محکوم‌علیه حکم خارجی برای رد استدلال متقاضی می‌تواند نشان دهد که علیرغم ظهور قانون یا معاهده، کشور صادرکننده در عمل احکام صادره از ایران را اجرا نمی‌کند. باید توجه داشت که ارائه یک یا چند مورد رد درخواست اجرای احکام دادگاه‌های ایران به خودی خود برای اثبات چنین امری و شکستن ظهور ناشی از قانون یا معاهده کافی نیست^۱ و توجه به جهت رد درخواست اجرا اهمیت اساسی دارد. اگر استدلال دادگاه خارجی برای رد درخواست اجرای حکم دادگاه ایران بر مفاد آن حکم خاص یا جریان رسیدگی منتهی به آن مبتنی بوده (مثلاً این که حکم با نظم عمومی کشور مقرر دادگاه منافات دارد یا این که ابلاغ صحیح به خواننده صورت نگرفته)، استناد به آنها محکوم‌علیه را به مقصود خود نمی‌رساند؛ زیرا بدیهی است که هر کشور در صورت احراز شرایط معینی امر به اجرای حکم خارجی می‌دهد. اما اگر دادگاه خارجی بر پایه ادعایی راجع به کل نظام رسیدگی قضایی در ایران درخواست اجرای احکام دادگاه‌های ایران را رد کرده، به خصوص اگر این امر مکرراً اتفاق افتاده، ممکن است دادگاه این را دلیل قانع‌کننده‌ای بیابد بر اینکه «به موجب قانون خارجی» و البته با تفسیری که دادگاه خود آن کشور از آن قانون می‌کند، «احکام صادره از دادگاه‌های ایران قابل اجرا» نیستند.^۲ حتی در این صورت هم متقاضی می‌تواند با ارائه موارد مخالف، یعنی مواردی که در آن دادگاه‌های آن کشور، حکم دادگاه ایران را شناسایی کرده‌اند؛

1. Southard, Op. Cit.:P 338.

۲. در حقوق آمریکا هم بین ارزش اثباتی مواردی که شناسایی به استناد مسائل خاص یک دعوا رد شده با مواردی که استدلال درباره رد شناسایی متوجه کل نظام حقوقی کشور مقابل است تفکیک کرده‌اند [Weston, Op. Cit.: 741-742; Epstein, Op. Cit.: 2353].

مجدداً دعوا را به سود خود برگرداند، به‌ویژه اگر آرایه که او به آن استناد می‌کند، نسبت به موارد مستند محکوم‌علیه به‌طور مؤخر صادر شده و بنابراین رویه جدیدتری را منعکس کند. اگر متقاضی در اثبات تحقق شرط رفتار متقابل به رویه قضایی کشور صادرکننده حکم استناد کرده، محکوم‌علیه باید با ارائه آرایه که دادگاه‌های آن کشور مؤخر بر آرای مورد استناد متقاضی صادر کرده‌اند، نشان دهد که رفتار آن دادگاه‌ها نسبت به احکام ایرانی تغییر کرده یا احیاناً این که حکم مورد استناد متقاضی جنبه استثنایی داشته و رویه کلی دادگاه‌های کشور مورد نظر رد شناسایی احکام دادگاه‌های ایران است.

خلاصه این دو بند آن که در مقام ثبوت تفکیکی بین رفتار متقابل قانونی و عملی وجود ندارد، اما در مرحله اثبات هر کدام از آنها اماره‌ای مستقل می‌سازد و راهی جداگانه برای متقاضی اجرا باز می‌کند.

۳.۳. رفتار متقابل موردی یا کلی؟

در ضمن بحث از بار اثبات به این نکته اشاره شد که برای تحقق رفتار متقابل ضروری نیست که دادگاه‌های کشور محل صدور حکم همه احکام ایرانی را اجرا کنند. در واقع هیچ کشوری به‌طور مطلق خود را ملتزم به اجرای احکام هیچ کشور دیگری حتی به‌طور متقابل نمی‌کند. بنابراین، همین که کشور خارجی به عنوان یک اصل و به صرف ایرانی بودن احکام صادره از دادگاه‌های ایران را کنار نگذارد، می‌توان ادعا کرد که شرط مقرر در بند ۱ ماده ۱۶۹ تأمین شده است؛ یعنی از نظر قانون کشور خارجی احکام صادره از دادگاه‌های ایران «قابل اجرا» هستند و این که کشور خارجی «در مورد اجرای احکام معامله متقابل» می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد که شرایط اجرای حکم ایرانی نباید به‌طور اساسی سختگیرانه‌تر از شرایطی باشد که قانون ایران برای اجرای احکام خارجی مقرر کرده است.

در مقابل این تفسیر، تفسیری جزءگراتر و سختگیرانه‌تر از رفتار متقابل هم در برخی نظام‌های حقوقی طرف‌دارانی دارد و به نظر می‌رسد دست‌کم در حقوق آمریکا تفسیر غالب است.^۱ بنا به این تفسیر، تناسب واقعی بین منافع دو کشور که هدف از مقید کردن شناسایی به

۱. این تفسیر هم در قانون نمونه مؤسسه حقوق آمریکا و هم در رویه قضایی آمریکا پذیرفته شده است [American Law Institute, Op. Cit.: §7 (c)].

رفتار متقابل است، در صورتی تأمین می‌شود که رفتار دادگاه‌های دو کشور نسبت به احکام یکدیگر در شرایط مشابه یکسان باشد. به عبارت دیگر، برای شناسایی حکم خاص صادر شده در کشور مقابل، کافی نیست که بعضی از احکام دادگاه‌های کشوری که شناسایی رأی در آن درخواست شده است، در کشور مقابل شناسایی شوند و البته لازم هم نیست هر نوع حکمی قطع نظر از ویژگی‌های آن دعوا شناسایی شود، بلکه باید احکامی شناسایی شوند که با دعوی موضوع حکم فعلی، از حیث آنچه ممکن است بر تمایل یک کشور به شناسایی احکام دادگاه کشور دیگر تأثیر بگذارد،^۱ قابل مقایسه باشد، تا به این ترتیب التزام حداقلی کشور مقابل مستمسکی برای توقع پایبندی حداکثری دادگاه‌های کشور مبدأ به اجرای احکام کشور مقابل قرار نگیرد.

ملاحظات مصلحت‌گرایانه به کنار، مشکل بتوان تفسیر اخیر را بر بند اول ماده ۱۶۹ تطبیق داد؛ نه تنها تصریحی بر توجه به شرایط مشابه وجود ندارد، بلکه می‌توان ادعا کرد که عبارت به نحوی انشا شده است که دلالت ضمنی بر پرهیز از توجه به شرایط خاص دعوا داشته باشد. قید «در مورد اجرای احکام» حدود رفتاری را که باید از دادگاه‌های کشور صادرکننده حکم توقع داشت، مشخص می‌کند؛ این که «احکام» ایرانی را اجرا کنند و نه «احکام صادره در شرایط مشابه» یا «احکام با موضوع مشابه» حکمی که شناسایی آن از دادگاه ایران درخواست شده است.

۳.۴. رفتار متقابل در رابطه با دولت فدرال

نظام‌های حقوقی ایالت‌های مختلف در یک دولت فدرال مستقل‌اند و احتمال دارد که رفتار این نظام‌ها در قبال احکام ایرانی متفاوت باشد. در این صورت، چه موضعی باید در قبال حکمی که در یکی از واحدهای (ایالات) این دولت صادر شده است، گرفت؟ آیا شناسایی احکام ایرانی در برخی از واحدهای دولت فدرال برای اینکه احکام صادره از همه ایالات آن دولت را در دادگاه ایران قابل شناسایی بدانیم، کافی است؟ این مسئله در قانون مدنی و قانون اجرای احکام که ظاهراً بدون نظر به چنین موردی انشا شده‌اند، پاسخ صریحی ندارد، ولی با توجه به ملاک حاکم بر آنها، به نظر می‌رسد که باید رفتار متقابل را در مورد هر واحد از یک دولت فدرال جداگانه احراز

۱. در قانون پیشنهادی مؤسسه حقوق آمریکا برخی از مواردی که در احراز «شرایط مشابه» باید مورد نظر دادگاه قرار گیرند احصا شده‌اند: ۱- تابعیت محکوم‌له و محکوم‌علیه، ۲- شناسایی خسارات تنبیهی در حوادث منجر به مرگ یا صدمه بدنی، ۳- عنوان (خواسته یا مقوله حقوقی) خاص دعوا [American Law Institute, Op. Cit.: §7 (c)].

کرد و بر آن اساس صرفاً در مورد شناسایی احکام صادره در آن واحد تصمیم گرفت. در صورتی که نظام قضایی فدرال قواعد حقوقی خاص خود را مستقل از واحدها بر مسئله شناسایی احکام خارجی حاکم کند، دادگاه ایران باید در صورت درخواست شناسایی حکم صادره از دادگاه فدرال، نسبت به مسئله رفتار متقابل در این مورد هم جداگانه تعیین تکلیف کند. در مورد کشور آمریکا چنان که پیش تر اشاره شد، موضع فعلی این است که دادگاه‌های فدرال اصولاً در مسئله شناسایی احکام خارجی قانون ایالتی را که در آن استقرار دارند، اجرا می‌کنند، جز در مواردی که قوانین مصوب کنگره در حدود اختیارات خود تکلیف خاصی تعیین کرده باشد که در آن صورت مراعات آن برای دادگاه‌های ایالتی و فدرال هر دو الزامی است.

۴. رفتار متقابل ایالات متحده با احکام ایرانی

با توجه به آنچه در بخش قبل گفتیم و نظر به سوابق موجود درباره رفتار دادگاه‌های آمریکا در قبال احکام صادره از دادگاه‌های ایران، اگر از دادگاه ایران درخواست شناسایی حکم صادره از یک دادگاه آمریکایی بشود، دادگاه در مقام احراز رفتار متقابل دولت آمریکا چه موضعی باید بگیرد؟

۴.۱. رویه قضایی

مناسب است که پیش از پاسخ تحلیلی به پرسش بالا در قالب دعوی فرضی، از باب مثال به دو مورد از موارد واقعی شناسایی احکام آمریکایی در محاکم ایران اشاره کنیم: در یک مورد، پس از آنکه دادگاه عمومی شیراز درخواست تنفیذ حکم مربوط به انفاق فرزندان را رد کرده، دادگاه تجدید نظر استان فارس رأی بدوی را نقض و با احراز شرایط ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام رأی صادره از دادگاه ایالتی تگزاس را تنفیذ می‌کند و جالب این است، در حالی که به عقیده برخی حقوق دانان و دادگاه‌ها حتی در صورت تنفیذ رأی خارجی، امکان اعمال ضمانت اجرای جزایی مندرج در ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ مبنی بر حبس محکوم علیه در صورت عدم اجرای حکم وجود ندارد، محکوم علیه در اجرای حکم تنفیذی تا زمان

قبول اعسار حبس می‌شود.^۱ مورد دوم رأی دادگاه خانواده تهران مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ است که به موجب آن حکم طلاق صادره از دادگاه کالیفرنیا، با توجه به اینکه طرفین آن از اقلیت‌های مذهبی ارامنه ایران بوده و طلاق مطابق مقررات دین مسیح صادر و اجرا شده و اسناد و مدارک تقدیمی و مطابقت آن مورد تأیید سفارت ایران در آمریکا و خلیفه‌گری ارامنه قرار گرفته، به استناد ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه تنفیذ شده است.^۲

۴.۲. تحلیل حقوقی

ظاهراً در دو مورد یاد شده در بند اول، دادگاه‌ها شرط رفتار متقابل را احراز کرده‌اند، اما چون معلوم نیست درجه مقبولیت این موضع در مجموع مواردی که دادگاه‌های ایران تا به حال با تقاضای شناسایی احکام آمریکایی مواجه شده‌اند، چه اندازه بوده یا در آینده چه اندازه باشد، جا دارد که مسئله را با تحلیل حقوقی از منظر دادگاه ایرانی فرضی پیش‌بینی کنیم. دادگاه ایرانی برای تصمیم‌گیری در این باره باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا دادگاه‌های آمریکا شناسایی احکام دادگاه‌های ایران را می‌پذیرند؟

فرض کنیم متقاضی اجرای حکم به استناد شق نخست بند اول ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام به قانون ایالتی که حکم در آن صادر شده است، استناد می‌کند. اگر این ایالت از ایالتی باشد که به شرط رفتار متقابل قائل نیستند، بدین معناست که حتی اگر دادگاه ایران احکام صادره از آن ایالت را نپذیرد، این امر تأثیری بر شناسایی احکام صادره از دادگاه ایران ندارد و اصل عام اعتبار احکام خارجی که در کامن‌لا پذیرفته شده است، اجرا می‌شود. در مورد ایالتی که رفتار متقابل را شرط شناسایی می‌دانند، هم شناسایی با دشواری خاصی روبرو نیست؛ زیرا با توجه به اینکه ایران هم به شرط رفتار متقابل شناسایی احکام خارجی را می‌پذیرد، این شرط از دید دادگاه‌های آن ایالات محقق است.

۱. رأی شماره ۸۸۰۹۹۷۱۲۰۱۰۱۳۴۱ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۸ صادره از شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان فارس. نقل از: قاسمی، محمد رضا. «شناسایی و اجرای احکام مدنی در رویه قضایی ایران و سوئیس»، رساله دکتری، کیش: پردیس کیش دانشگاه تهران، ۱۳۹۶، ص ۲۰۷.

۲. پورنوری، منصور، شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران، مجله کانون وکلا، ۱۳۸۳، شماره ۱۸۶-۱۸۷، ص ۸۹.

اما چنان که گفتیم، مسئله رفتار متقابل تنها مانعی نیست که دادگاه‌ها برای امتناع از شناسایی احکام دادگاه کشور خارجی به آن متمسک می‌شوند. در مورد ایران، حداقل در یک مورد یک دادگاه آمریکایی (دادگاه استیناف فدرال آمریکا در دعوی «بانک ملی - شمس پهلوی» در مقام تأیید رأی دادگاه بخش فدرال) اجرای حکم صادره در دادگاه ایران را به دلیل عدم تأمین رسیدگی صحیح قانونی^۱ رد کرده است. دادگاه در استدلال خود به مفاد اسناد ارائه شده از سوی خواننده تکیه کرده که از جمله آنها ادعای عدم بی‌طرفی نظام قضایی ایران، عدم استقلال قوه قضائیه، سیاسی بودن دادرسی‌ها و عادلانه نبودن آنها به طور کلی است.^۲ با اینکه این موارد جزء منطوق حکم دادگاه نیست و به دشواری می‌توان وزن آنها را در میان مجموعه ادله‌ای که دادگاه در نتیجه‌گیری خود درباره عدم تأمین رسیدگی صحیح قانونی نسبت به خواننده خاص این دعوا به آن متکی بوده، تعیین کرد، نویسندگان^۳ و دادگاه‌های دیگر در جایی که ضمناً به این حکم اشاره کرده‌اند،^۴ آن را در زمره مواردی تلقی کرده‌اند که رد اجرای حکم غیر آمریکایی در محاکم آمریکا به استناد رد صلاحیت کلی نظام دادرسی کشور صادرکننده حکم بوده است. بنابراین اگر محکوم‌علیه حکم مورد فرض، در برابر درخواست شناسایی حکم در دادگاه ایران به این سابقه استناد کند، دادگاه احتمالاً می‌تواند آن را قرینه کافی بر عدم رفتار متقابل دادگاه‌های آمریکا بگیرد و درخواست شناسایی را رد کند.

استدلال متقاضی شناسایی علیه استناد به حکم دعوی «بانک ملی» می‌تواند این باشد که اولاً از زمان صدور این حکم بیش از بیست سال گذشته است؛ ثانیاً بسیاری از استدلال‌های دادگاه درباره نظام قضایی ایران با مسائل سیاسی خاص این دعوا پیوند دارد که در مورد عموم دعاوی حقوق خصوصی که اجرای آن از دادگاه‌های آمریکا خواسته می‌شود، صدق نمی‌کند و

۱. Due Process of Law [در حقوق بین الملل خصوصی، این عبارت به معنایی استعمال می‌شود که دقیقاً با معنایی که در حقوق خصوصی به آن داده‌اند یکی نیست و می‌توان آن را پایبندی به اصول عام حقوقی، اصولی که مورد قبول همه ملل متمدن است، در مواجهه با حقوق شهروندان تعریف کرد. ر.ک:

Kotuby, Charles T. Jr, "General Principles of Law, International Due Process, and the Modern Role of Private International Law", *Duke Journal of Comparative and International Law* 23 :P411].

2. Bank Melli Iran v. Pahlavi 58 F.3d 1406 (9th Cir., 1995).

3. Epstein, Op. Cit.:PP 2353-2354.

4. Society of Lloyd's v. Ashenden 233 F.3d (7th Cir., 2000).

سوم اینکه دادگاه‌های آمریکا مجاز نیستند در ارزیابی خود از شرط تأمین رسیدگی صحیح قانونی و سایر شروط شناسایی حکم خارجی که امور موضوعی‌اند، به یافته‌های گذشته تکیه کنند. بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد که اگر امروز شناسایی حکم ایرانی از دادگاه آمریکا خواسته شود، این دادگاه دلیلی برای امتناع بیابد. اما اگر بپذیریم که متقاضی باید بار اقناع دادگاه نسبت به تحقق شرط رفتار متقابل را به دوش بکشد، این میزان از استدلال ممکن است برای ایجاد تردید کافی باشد، اما احتمالاً برای سنگین کردن کفه اثبات به سود او کافی نخواهد بود. به علاوه متقاضی می‌تواند به مورد مخالفی (دعوی «کولی-واینبرگر») استناد کند که طی آن دادگاه استیناف فدرال ضمن رسیدگی ماهوی به دعوی که به موجب آن خواهان بیمه عمر شوهر متوفایش را به عنوان ذی‌نفع مطالبه کرده بود، رأی دادگاه کیفری ایران مبنی بر محکومیت همسر (خواهان دعوی آمریکایی) به قتل عمد شوهر را شناسایی کرد و به اتکای آن و به موجب مقررات فدرال آمریکا که محکوم به قتل عمد را از دریافت مزایای تأمین اجتماعی ناشی از مرگ مقتول محروم می‌کند، دعوی خواهان را رد کرد. دادگاه فدرال در اظهار نظر راجع به شناسایی حکم دادگاه ایران، آیین دادرسی و روند جلسه محاکمه مختوم به حکم یاد شده را عادلانه ارزیابی و تصریح کرد که تفاوت ضوابط دادرسی بین دو کشور و اینکه ایران عیناً از معیارهایی که آمریکا درباره رسیدگی صحیح قانونی به رسمیت شناخته پیروی نمی‌کند، به تنهایی مانعی برای شناسایی حکم صادره از دادگاه ایران نیست.^۱ اگر متقاضی شناسایی حکم آمریکایی در دادگاه ایران در پاسخ به استناد محکوم‌علیه به حکم دعوی «بانک ملی» به این مثال برای اثبات رفتار متقابل دولت آمریکا استناد کند، تأثیر آن در قانع کردن دادگاه تا چه اندازه خواهد بود؟ در مواردی از این دست، پاسخ کلی آن است که تأثیر موارد شناسایی حکم دادگاه ایران در دادگاه‌های خارجی که متقاضی به دادگاه ارائه می‌کند، در اقناع دادگاه بارها بیش از موارد عدم شناسایی است که محکوم‌علیه ارائه می‌کند؛ زیرا عدم شناسایی برخی احکام ممکن است به ویژگی‌های خاص دعوی موضوع آنها مربوط باشد، اما حتی یک مورد شناسایی اماره محکمی است بر اینکه شناسایی احکام ایرانی در دادگاه‌های کشور خارجی مانع کلی ندارد، پس رفتار متقابل آن دولت اجمالاً ثابت است. با این حال در این مورد خاص، مؤخر بودن دعوی «بانک ملی» نسبت به دعوی «کولی»، تغییر عمده روابط سیاسی ایران و آمریکا در فاصله بین صدور دو حکم، و اینکه

1. Cooley v. Weinberger, 518 F.2d 1151 (10th Cir. 1975).

مبنای رأی دادگاه آمریکایی در دعوی «بانک ملی» بر خلاف دعوی «کولی» داوری درباره صلاحیت کل نظام قضایی ایران بود، نه عادلانه بودن رسیدگی در دعوی خاصی که شناسایی حکم صادر شده در آن درخواست شده است، مواردی است که تأثیر استناد به رأی «کولی» را در اقناع دادگاه تضعیف می‌کند.

۴.۳. تسری شناسایی به سایر ایالات

اگر حکم دادگاه ایران در یکی از ایالات آمریکا شناسایی شود، اعتبار این شناسایی در سایر ایالات آن کشور تا چه حد است؟ پاسخی که نظام‌های حقوقی همه ایالات آمریکا بر آن متفق‌اند، آن است که چون شناسایی حکم دادگاه خارجی به موجب رأی دادگاه آمریکایی انجام می‌شود و چون آرای قضایی صادره در هر یک از ایالات به موجب بندی از قانون اساسی آمریکا (معروف به بند «اعتماد و اعتبار کامل»^۱) در سایر ایالات عموماً واجد همان اعتباری است که آن ایالات به آرای صادره از دادگاه‌های خود می‌دهند، پس شناسایی حکم غیر آمریکایی در یک ایالت آمریکا به آن حکم در سراسر کشور ایالات متحده اعتبار رأی شناسایی شده را می‌دهد.^۲ به این ترتیب، اعتباری که دادگاه‌های همه ایالات به حکم شناسایی شده در یک دادگاه آمریکایی می‌دهند، تحت تأثیر موضع بدوی دادگاه‌های ایالات در قبال شناسایی احکام ایرانی، یعنی موضعی که اگر شناسایی حکم از خود آنها درخواست می‌شد نشان می‌دادند، قرار نمی‌گیرد. این نکته می‌تواند بر راهبرد متقاضی اجرای حکم ایرانی در ایالات متحده تأثیر بگذارد؛ تقاضا باید در صورت امکان (یعنی تا جایی که قواعد صلاحیت دادگاه‌ها اجازه می‌دهد) ابتدا در ایالتی طرح شود که موضع مساعدتری نسبت به شناسایی احکام ایرانی دارد. البته قاعده «اعتماد و اعتبار کامل» دادگاه‌ها را به طور مطلق به تمکین نسبت به رأی دادگاه‌های ایالات دیگر موظف نمی‌کند^۳ و استثنائات این قاعده ممکن است به آنها این اجازه را بدهد که همچنان به برخی از دلایلی که بدواً به آنها فرصت امتناع از شناسایی احکام ایرانی را می‌داد (مثل عدم رعایت رسیدگی صحیح قانونی)، تمسک کنند.

1. Full Faith and Credit Clause.

2. International Comparative Legal Guides, **Enforcement of Foreign Judgments 2018 (USA)**, available at: <https://iclg.com/practice-areas/enforcement-of-foreign-judgments-laws-and-regulations/usa>, § 2.4, (last visited on 2/14/2019).

3. Redpath, Elizabeth, "Between Judgment and Law: Full Faith and Credit, Public Policy, and State Records", *Emory L.J* 62 (3) (2013):P 663.

نتیجه گیری

۱. قائل شدن به رفتار متقابل کشوری که حکم خارجی در دادگاه آن صادر شده است، به عنوان شرط شناسایی حکم با معیارهای حقوقی قابل دفاع نیست؛ این شرط رفتار دولت خارجی را مبنای تبعیض نسبت به اشخاص خصوصی قرار می‌دهد که شخصیتی مستقل از آن دولت دارند و چه بسا تبعه آن هم نیستند، بلکه حتی ممکن است تبعه خود کشوری باشند که اجرای حکم از آن درخواست می‌شود. به این ترتیب، عادلانه بودن قانون فدای منفعتی شده است که حصول آن از این طریق مسلم نیست. راه بهتر برای حصول این منفعت توسل به درج آن در معاهدات است که روشی گزینشی‌تر و اطمینان‌بخش‌تر است.
۲. خلاف اصل بودن رفتار متقابل ایجاب می‌کند که بر فرض ناگزیر بودن حفظ آن، در قالب استثنا انشا شود و نه در قالب شرط؛ یعنی عدم رفتار متقابل دولت خارجی مانع شناسایی احکام صادره در دادگاه‌های آن قلمداد شود، نه اینکه وجود رفتار متقابل شرط شناسایی باشد. هر چند قانون‌گذار ما در نگارش ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ظاهراً خلاف این مصلحت عمل کرده است، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که انشای این شرط به گونه‌ای است که تمسک به آن برای امتناع از شناسایی حکم خارجی در عمل دشوار است و جنبه استثنایی دارد.
۳. قانون اجرای احکام مدنی، کمترین درجه از وجود رفتار متقابل را شرط شناسایی و اجرای حکم خارجی قرار داده است: همین که کشور خارجی به عنوان یک اصل و به صرف ایرانی بودن از شناسایی احکام صادره از دادگاه‌های ایران امتناع نکند، برای تحقق شرط کافی است. در مقام اثبات هم تکلیف متقاضی شناسایی به مراتب سبک‌تر از محکوم‌علیه حکم خارجی است؛ کافی است متقاضی شناسایی اثبات کند که قانون خارجی شناسایی احکام کشورهای دیگر را تحت شرایطی اجازه می‌دهد یا نشان دهد که در عمل مانع کلی در راه شناسایی احکام ایرانی در کشور خارجی وجود ندارد تا بار اثبات بر عهده محکوم‌علیه قرار گیرد.
۴. نظام حقوقی ایالات متحده موضع یکپارچه‌ای درباره شرط رفتار متقابل ندارد. در سطح فدرال قانونی که نظام شناسایی احکام خارجی را سامان‌مند کند، تصویب نشده و به عقیده برخی این موضوع در کلیتش از صلاحیت قانون‌گذاری دولت فدرال بیرون است. معدودی از ایالات شرط رفتار متقابل را در قوانین مصوب راجع به شناسایی احکام پولی خارجی گنجانده‌اند. بعضی

از دادگاه‌های ایالتی و فدرال به تبعیت از رأی (غیر الزام‌آور) دیوان عالی آمریکا شرطیت رفتار متقابل را قید کرده‌اند، اما موضع غالب چه در احکام قضایی و چه در دکترین این کشور هنوز به پیروی از نظریه سنتی کامن‌لا عدم شرطیت آن است.

۵. در مواردی که شرطیت رفتار متقابل در حقوق آمریکا پذیرفته شده است، نظر غالب این بوده که این شرط باید به صورت موردی احراز شود؛ به این معنا که حکم خارجی در صورتی شناسایی می‌شود که دادگاه کشور خارجی حکم صادره از دادگاه آمریکا را که واجد موضوع و شرایطی مشابه با حکم خارجی باشد، شناسایی کند. در گذشته به پیروی از موضع سنتی کامن‌لا اتفاق نظر وجود داشت که بار اثبات (عدم) رفتار متقابل بر عهده محکوم‌علیه حکم خارجی است، اما امروزه نظر مخالف قوت یافته و در قانون نمونه پیشنهادی مؤسسه حقوق آمریکا منعکس شده است.

۶. به دلیل پیچیدگی‌های نظام حقوقی شناسایی احکام در دو کشور ایران و آمریکا و وضعیت روابط سیاسی فیما بین، نظر قاطعی درباره تحقق رفتار متقابل بین دو کشور نمی‌توان داد. هر چند به احتمال قوی‌تر در شرایط فعلی، دادگاه ایران که شناسایی حکم آمریکایی از آن درخواست شده است، تحقق شرط رفتار متقابل را رد خواهد کرد، اما ملاحظات متعددی ممکن است بر تصمیم دادگاه در این باره تأثیر بگذارد؛ از جمله اینکه اولاً، در رویه قضایی هر دو کشور مواردی از شناسایی احکام صادره از دادگاه‌های کشور مقابل وجود دارد؛ ثانیاً، هر چند امتناع دادگاه آمریکایی در دعوی «بانک ملی» از شناسایی احکام ایرانی بر استدلالی مبتنی است که نمی‌توان آن را به وقایع خاص آن دعوا محدود دانست، باب این پرسش همچنان باز است که آیا موضع این دادگاه را می‌توان موضع تثبیت شده یا غالب در نظام قضایی آمریکا دانست؛ ثالثاً، هر ایالت آمریکا واجد نظام حقوقی مستقلی است و شرط رفتار متقابل باید جداگانه در مورد آن احراز شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. الماسی، نجادعلی، *حقوق بین الملل خصوصی*، تهران: میزان، ۱۳۸۵.

مقاله

۲. پورنوری، منصور، شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران، مجله

کانون وکلا، ۱۳۸۳، شماره ۱۸۶-۱۸۷.

۳. تقوائی، ابراهیم، اجرای احکام خارجی در ایران، حقوق مردم، ۱۳۵۳، شماره ۳۵-۳۶.

قوانین و مقررات

۴. قانون مدنی ۱۳۱۴.

۵. قانون اجرای احکام مدنی ۱۳۵۶.

آرای دادگاه‌ها

۷. رأی شماره ۱۰۱۳۴۱/۸۸۰۹۹۷۱۲ مورخ ۲۳/۱۰/۱۳۸۸ صادره از شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر

استان فارس. نقل از: قاسمی، محمدرضا. «شناسایی و اجرای احکام مدنی در رویه قضایی

ایران و سوئیس»، رساله دکترا، کیش: پردیس کیش دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.

رساله و پایان‌نامه

۸. قاسمی، محمدرضا، «شناسایی و اجرای احکام مدنی در رویه قضایی ایران و سوئیس»، رساله

دکترا، کیش: پردیس کیش دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.

ب) منابع انگلیسی و فرانسه

Books

9. Audit, B., *Droit International Privé*, 3e éd., Economica, 2000.

10. Decaux, Emmanuel, "Reciprocité", *Répertoire de droit international*, Dalloz, 1998.

11. Dicey, A. V., John H.C. Morris & Lord Collins of Mapesbury, *The Conflict of Laws*, 15th Ed., London: Sweet & Maxwell, 2012.
12. Dutta, Anatol, "Reciprocity", in *Encyclopedia of Private International Law*, 1467.

Articles

13. Epstein, Marc P., "Comity Concerns Are No Joke: Recognition of Foreign Judgments Under Dormant Foreign Affairs Preemption", *Fordham L. Rev.* 82 (2014).
14. Gaudemet-Tallon, Hélène." La reconnaissance des jugements étrangers portant sur une somme d'argent, en matière civile et commerciale", in: *Revue internationale de droit comparé* 38(2) (1986)
15. Goldsmith, Jack, "Statutory Foreign Affairs Preemption", *SUP. CT. REV.* (2000).
16. Juenger, Friedrich K., "The Recognition of Money Judgments in Civil and Commercial Matters", *American Journal of Comparative Law* 36 (1988).
17. Keohane, Robert E., "Reciprocity in International Relations", *International Organization* 40(1) (1986)1.
18. Kotuby, Charles T. Jr, "General Principles of Law, International Due Process, and the Modern Role of Private International Law", *Duke Journal of Comparative and International Law* 23.
19. Larson, Deborah W., "The Psychology of Reciprocity in International Relations", *Negotiation Journal* 4 (1988).
20. Lenhoff, Arthur, "Reciprocity: The Legal Aspect of a Perennial Idea" , *Nw. U. L. Rev.* 49 (1954-1955).
21. Nadelmann, Kurt H., "Non-Recognition of American Money Judgments Abroad and What to Do About It", *Iowa L. Rev.* 42 (1957).

22. Paris, Francesco & Nita Ghei, "The Role of Reciprocity in International Law", *Cornell International Law Journal* 36(1) (2003).
23. Redpath, Elizabeth, "Between Judgment and Law: Full Faith and Credit, Public Policy, and State Records", *Emory L.J* 62 (3) (2013).
24. Restrepo, Daniel A., "Individual-Based, Cross-Border Litigation: A National Security Practitioner's Perspective", *U. PA. J. Int'l L.* 34 (2013).
25. Robinson, Darren J., "U.S. Enforcement of Foreign Judgments, Libel Tourism, and the SPEECH Act: Protecting Speech or Discouraging Foreign Legal Cooperation", *Transnational Law and Contemporary Problems* 21 (2013).
26. Smit Hans, "International Res Judicata and Collateral Estoppel in the United States", *UCLA L. Rev.* 9 (1962).
27. Southard, William G., "The Reciprocity Rule and Enforcement of Foreign Judgments", *Colum. J. Transnat'l L.* 16 (1977).
28. Weston, Christina, "The Enforcement Loophole: Judgment-Recognition Defenses as a Loophole to Corporate Accountability for Conduct Abroad", *Emory Int'l L. Rev.* 25 (2011).
29. Woodward, David L., "Reciprocal Recognition and Enforcement of Civil Judgments in the United States, the United Kingdom and the European Economic Community", *N.C. J. Int'l L. & Com. Reg* 8 (2016).
30. Zadeck, Donald J., "Enforcement of Foreign Judgments in Personam: Reciprocity", *La. L. Rev.* 10 (1949).
31. Zeynalova, Yuliya, "The Law on Recognition and Enforcement of Foreign Judgments: Is It Broken and How Do We Fix It?", *Berkeley J. Int'l Law* 31 (2013).

Case Law

32. *Hilton v. Guyot*, 159 U.S. 113 (1895).
33. *Johnston v. Comp. Generale Transatlantique*, 152 N.E. 121 (NY 1926).

34. Cooley v. Weinberger, 518 F.2d 1151 (10th Cir. 1975).
35. Bank Melli Iran v. Pahlavi 58 F.3d 1406 (9th Cir. 1995).
36. Society of Lloyd's v. Ashenden 233 F.3d (7th Cir. 2000).
37. Chevron Corp. v. Donziger, 768 F. Supp. 2d 581, 594 (Dist. Court, SD New York, 2011).

Internet Sites

38. International Comparative Legal Guides, **Enforcement of Foreign Judgments 2018 (USA)**, available at: <https://iclg.com/practice-areas/enforcement-of-foreign-judgments-laws-and-regulations/usa>, § 2.4, (last visited on 2/14/2019).
39. Uniform Law Commission, **Why Your State Should Adopt The Uniform Foreign-Country Money Judgments Recognition Act (2005)**, available at <https://my.uniformlaws.org/committees/community-home/librarydocuments?communitykey=ae280c30-094a-4d8f-b722-8dcd614a8f3e&tab=librarydocuments> (last visited on 1/15/2009).

Model Codes

40. American Law Institute, The Foreign Judgment Recognition and Enforcement, Official Text [i] (17).